

### چالش ساختاری در حوزه تولید ملی:

**الف -** تأسیس وزارت بازرگانی در ایران میراث شومی در بازرگانی خارجی ایران به نام واردات گسترده و بی‌رویه و بی‌موقع و به زیان سرمایه‌گذاران را رقم زده است. دلیل پایداری این نقش‌آفرینی منفی ذخایر و درآمدهای فراوان ارزی بود که این دور باطل را تداوم بخشیده و دایره وابستگی را تشدید می‌نمود. با توجه به این نقش تخریبی و با توجه به محدودیت ذخایر ارزی بالاخره واردات گسترده موجب محدودیت در منابع ارزی شد احکام قانون برنامه سوم در مورد حساب ذخیره ارزی از طرف دولت‌ها دور زده شد و با اصلاحات مکرر در مجلس روبه‌رو شد بالاخره صندوق توسعه ملی تأسیس و تا حدودی منابع در دسترس محدود شد بالاخره مقاومت‌های پیدا و پنهان شکست و با جسارتی که معمول شد وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی ادغام شدند و وزارت صنعت، معدن و تجارت تأسیس شد با این هدف که بازرگانی در خدمت تولید ملی قرار گیرد و اقتصاد واردات‌محور تبدیل به اقتصاد تولیدمحور یا به قول مقام معظم رهبری تولید صادرات‌محور شود. البته به جای یک عنصر تولیدی برعکس یک مدیر صرف بازرگانی حاکم بر مقدرات صنعت و معدن و پس از مدتی مقدرات کشاورزی کشور شد! و مصیبت‌های فراوانی برای کشور ایجاد شد. در کمال شگفتی لابی واردات گوشه و کنار مطرح می‌کنند بایستی وزارت بازرگانی منتزع شود تا کارها سامان یابد این کار یک اشتباه بزرگ و اگر تعمّدی مطرح شود یک خیانت در عرصه اقتصاد ملی است. به جای اینکه بخش بازرگانی ساختار جدید، تابع سیاست‌های تولید ملی باشد برعکس ساختار تولیدی با شدت بیشتر تحت سیطره وزارت بازرگانی قدیم درآمد و افتخار آنها این شد که «ما نمی‌دانیم چقدر از

هر کالا وارد کشور می‌شود گمرک زیر نظر وزارت اقتصاد است». جزئیات به فرصت مناسب موکول می‌گردد.

شکل‌گیری نومییدی سرمایه‌گذاران و رها کردن تولید معطوف به تصمیمات و سیاست‌های پایدار واردات محور می‌باشد و در صورتی که ساختار و مدیریت وزارتخانه معطوف به تولید شود به صورت جهشی تحول در تولید ملی اتفاق می‌افتد.

وقتی سیاست‌های بازرگانی مکمل و در خدمت سیاست‌های وزارتخانه‌های تولیدی نظیر «صنعت، معدن و تجارت» و نیز «وزارت جهاد کشاورزی» قرارگیرد به لحاظ اصول مدیریت اصل تناسب رابطه اختیار و مسؤلیت محقق می‌شود در صورتی که در گذشته اختلاط مسؤلیت و در نتیجه پاسخگوئی تعطیل بود. مدیریت وزارت صنعت، معدن و تجارت بایستی فردی باشد که توان اعتمادسازی و تعامل با تشکل‌های قانونی طیف وسیع و عظیم تولیدکنندگان، صادرات‌کنندگان را داشته و با این روش سیاست‌های تولیدی را در کل زنجیره ارزش محصولات گوناگون با همکاری خود تولیدکنندگان سامان دهد و مؤمن و پاسخگو به وظایف ذاتی خود در مورد برطرف کردن آنارشی قیمتی باشد نه اینکه پاسخگوئی را به وزیر اقتصاد و بازی با دو سه متغیر از جمله سود بانکی، نرخ رشد و تورم احاله دهد و سپس با دادن نشانی پاسخگوئی به بخش خصوصی و تشکل‌ها از زیر بار مسؤلیت روان‌سازی تولید ملی شانه خالی کند.

### ب - چالش‌های ساختاری در حوزه تولید ملی (کشاورزی)

برای تحقق برنامه حمایت از تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی در حوزه کشاورزی در هشت سال گذشته دچار چالش اساسی بود مهم‌ترین آن سلب اختیارات بازرگانی خارجی از وزیر جهاد کشاورزی (وزیر تولیدی مربوطه) و اعطاء آن به وزیر صنعت، معدن و بازرگانی بود. اصرار بر این موضوع باعث شد که واردات عجیب و بی‌رویه انواع محصولات و فرآورده‌های

کشاورزی و غذایی و باغی از محل ذخایر فراوان ارزی گسترش یابد. مجلس جهت جلوگیری از این مسئله در ماده 16 قانون بهره‌وری کشاورزی مقرر نمود هر گونه واردات بایستی با موافقت وزارتخانه تولیدی مربوطه (جهاد کشاورزی) باشد مع‌الاسف وزارت صنایع برعکس عمل کرد تا اینکه مجلس اواخر سال گذشته قانون انتزاع وظایف بازرگانی خارجی بخش کشاورزی از وزارت صنایع به وزارت جهاد کشاورزی را تصویب نمود. در سال 1391 یک اتفاق مهم دیگر در حوزه تولید کشاورزی تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی کشاورزی توسط مقام معظم رهبری بود. نفس تحقق سیاست‌های کلی کشاورزی و اجرای قانون انتزاع تحول عظیمی در این بخش ایجاد می‌نماید که بایستی مدیریت جهادی متناسب با این تحول ملاک انتخاب وزیر در این مجموعه نهادی برخاسته از فرهنگ و آرمانهای انقلاب اسلامی باشد.